

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
عنوان مراسلات
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخه ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
قیمت يك نسخه
در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

چهار شنبه ۲۰ شوال المکرم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۱ آذرماه جلالی ۸۲۹ و ۲۷ نومبر ۱۹۰۷ میلادی

(بانك ملی چه شد)

(در هیچ پرده نیست نباشد نوای او)
(عالم پر است از وی و خالی است جای او)
تمام دانایان و عقلای قوم دوام و استقلال این مملکت و رفع بیچارگی و اضمحلال این ملت را موقوف بوجود بانك ملی دانسته و بر رای کلیه دانشمندان چون آفتاب روشن است که تا بانك ملی دایر نگشته هر چه در اصلاح حال ملت و ترقی دوات بگویند همه امرار وقت و تضییع عمر است چه بدون پول يك امر جزئی صورت صلاح نپذیرد و پول بدون بانك بدست نیاید در واقع بانك ملی ديك بخار دستکاه ترقی و کارخانه تمدن است و بدون این ام الاسباب حرکت يك چرخ از این دستکاه مجال است چه از تنظیم قشون و تربیت عسکر و چه از انتظام داخله و امنیت کشور چه ایجاد کار خانجات و توسعه تجارت چه احداث فنون و ترقی فلاحات چه مخارج راه آهن و چه استخراج معادن تمام منوط بدایر شدن بانك است از ابتدای دوره مشروطیت در این موضوع مقدس سخن گفته اند و مرگوز تمام اذهان شده که تا بانك ملی تشکیل نیابد اصلاح معایب از جمله محالات است و بکرات این مسئله در مجلس مقدس مطرح گشته و در اهمیت آن سخن رانده اند و از باب جزائید از نتایج عالی و منافع کلیه آن تمام خلفرا آگاه و در تشکیل آن همراه نموده اند با وجود این جز حرف چیزی در بین نیست همی شنیده میشود که فلانی چقدر داد و از فلان کسی چقدر گرفتند و از کجا چقدر آمد ولی صلوم نیست این بانك در مجامعت و چه وقت دایر

خواهر شد مستخدم فرانسوی بگجا وارد میشود رئیس کیست و اجزا کیانند چقدر آمانت در این مملکت حرف زدن ؟ از تمام کارها بحرف قناعت میکنیم همینکه پای فعلیت بمیان آمد کناره میجوئیم ماهه روزه می بینیم بدر و دیوار اعلانی چسبانیده که بانك استقراضی در فلان روز با کمال احترام لباس زنهای شمارا هراج میکند و زینت زنانه شمارا میفرودد ابتدا متاثر نمیشوید غیرت ملی داریم بحرف ، استقلال دولت میخواهیم بحرف ، حب وطن داریم بحرف ، دینی تحصیل نرفتم بحرف ، وطن پرستیم بحرف ، معارف پروریم بحرف خدمت نوع میکنیم بحرف ، همه حرف همه حرف آخر می باید از دایره لفظیاری بکقدم بیرون گذاشت ؟ چه وقت باید در صدد معنی بر آمد بانجاد مسلمانی و شجاعت ایرانی خصمرا جواب میدهیم باز حرف آیا اتحاد حرفی و غیرت لفظی ما را از چنگال اجناس رها میکند ؟ آیا دول متدنه که باین رفعت و مقام رسیده اند از تصدق سر حرف بوده است ؟ آیا ما هم از این راه بانان میرسیم ؟ یا اینکه این حرف و استقلال انروزی دیگران هم حرف است ؟ اری اعتقاد ما همین است زیرا که اگر ما حییات هر روزه خود را در ترقی آنان رها نکرده و حرف نمیدانستیم ایلا حرکتی کرده خود را میاراستیم عجب در این است که همه میگوئیم باید حرف را رها کرده پای فعلیت بمیان آورد می بینیم همین باز حرف است در محاصره قشون آلمان شهر پاریسرا مبلغ عمده از دولت فرانسه خواستند که دست از محاصره بردارند و صلح کنند

حکومت اعلان کرد که بجهت رفع خصم هر کس هر چه مقدورش میشود فردا در فلان مرکز حاضر کرده و بتوان فرض بدولت داده سند بکسیرد تا بعد دولت بپردازد روز میباد که بان نقطه حاضر شدند و جوی را که اعلان کرده بودند باضماعی مضاعف دیدند در آنجا آورده و روی هم ریخته و رفته اند این است معنی غیرت ملی و حب وطن درد اینجا است که ما معاند بحرفی زدن و افسانه گوئی شده ایم تاریخ میخوانیم افسانه میخوانیم روز نامه میخوانیم افسانه میخوانیم حدیث میخوانیم افسانه میخوانیم قرآن میخوانیم افسانه میخوانیم چرا؟ بعلت اینکه نمیخواهیم بفهمیم چرا نمیخواهیم بفهمیم؟ بجهت اینکه نمیخواهیم عمل کنیم میگوئیم امیرالمؤمنین دارای فلان صفت حمیده و سیرت پسندیده بود مخصوصاً در شجاعت چگونه شمشیر میرد و چاقم در جنگها دعوا میکرد و بجهت زحمت در حفظ استقلال دین و حمایت مسلمین میگوئید ولی وقتیکه که نگاه میکنیم می بینیم که از هزار طلبه یکی اسب سواری بلد نیست تخصیص باین سلسله جلیله نمیدهم اگر تباقت غیرت و شجاعت ایلات و رشادت جوانان صحرا نشین باین قشون و عسکر یکروز ما قادر بر حفظ خویش و نگهداری وطن نیستیم گمان میکنیم که اگر استقلال ملیت برود و شرف قومیت زیر پا شود میتوانیم دیداری کنیم و میگزارند باین مسلمانی رفتار کنیم و شریعت اسلام که جز اسم چیزی از او نمانده بجا میماند به قفقاز نگاه نمی کنیم هندوستان را نمی بینیم باری آزمه تصور دور نیستیم سخن در بانک ملی بود که می (پار درآید زدر بطالع مسعود) این شاهد زیبا پس از چند عمر دنیا چهره دلارا بگشاید و این عروس بدیع الجمال بعد از چند هفته و سال هفت کرور از مر وارید و لال خود را بنماید علت تعویق چیست؟ و موانع تعطیل کیست؟ چرا در اینکار چشم و همچشمی نیست؟ و تهیه پارک و کثرت مبل فوریت گیرم جائی را گفتند بانک وجهش کجاست؟ این منتظر است که دیگری تمام این قدیمه را بپردازد و او منتظر است که آن این خزینه بر سازد این اطمینان ندارد و حق هم دارد آن شرکت عمومه را اثر کرده و از ریسمان رکنین میترسد بیجا هم نمیگوید دیگری امنیت میخواهد راست میگوید ولی از حق نگذری در اینموقع همه اینها دفع الوقت و بهانه است خاصه برای بزرگان، ابله کسانی که منتظر صنف عاجز ملت و اقدام بیچاره رعیتند از این طسایفه آب پاك روی دستشان بریزید و مایوس باشید زیرا که در این قوم اکر از دفتر

جریمه گیری حکام جور و کتابچه چپاول امراء ظلم سهم والقمی شده باشد و از دوهزار یکی در بین افتاده باشند فرضاً زاید بر مخارج اگر سالی پنجاه شصت تومان داشته باشند و این گونه مردم بندرت در این ملک یافت میشود (نیست يك خانه كز وود دلی در نشود) از همراهی اینان آبی گرم نمیشود از اینان يك طبقه بالاتر از قبیل حورده خوالین و مالکین جزء که سالی هزار تومان و دو هزار تومان زاید بر مصارف دارند قلیلی هم هستند که اگر با طبقه اولی هر چه دارند روی هم بزنند يك نصفه بانکی تشکیل میدهند ولی اینها در این اول وهله اکر دره بانک هم بتوانند دایر کنند بجهت متعدده هرگز اقدامی در این منوع مقدس نمیکند عمده بجهت نادانستن منافع عمومی بانک وعدم علم بحدت احتیاج مملکت ببانک و وجوب وجود اوست چه از دو هزار یکی نمیدانند که بانک را میخورند یا میبوه شد؟ و این بانک بانها نفع میرساند یا خیر اکر دیگران سبقت جسته و این اساس را برپا دارند و خلق استحکام انرا دیده و منافع انرا بسنجند دیری نگذرد که تمام رعایا سرمایه خود را آورده و با التماس در بانک گذارند امروز هر يك از آنها که بخوای تهریب بانک ملی را بکنی مثل اینست که از برای کوری وصف جمال شاهد جمیل را کنی یا برای گرمی ساز پیانو بنوازی با فلوا ندیده بهزار آیه و دلیل کیفیت طعم باقلواری درك نخواهد کرد هر چه بیشتر اصرار کنی بر موهو ماتس افزوده میشود تشکیل بانک موقوفی است بداشتن علم و ثروت علم از برای وجوب وجود آن و اهمیت آن در مملکت ثروت بجهت تشکیل و ایجاد آن علم که نایابست خاصه در طبقه ضعفا و رعایا ثروت در دست معدود است که هم علم بوجوب آن دارند وهم قوه دایر کردن آن پس فتح الباب سعادت و کشایش طریق نجات ملت موقوف بهمت آنانی است که سالهای سال در اینخاک پاك با کمال شرف و استقلال غنوده اند و از نعمات گوناگون حظی وافر برده چه کرده اند و از کجا آورده اند کارندار هم همه میدادند و خورد بهتر از همه چه شود که پاس انهمه نسیب و ثروت و سیاست شکر گذاری وطن و حق نمک خواری دولتی که در سایه آن باسم خدمت دارای اینهمه مکنت شده اند قسمتی از آن دولت که تماش بی خون دل بکنار آمده است بمیان آرند و از فرا هم کرده ها مبلغی روی هم گذارند و بر ملک و دولت خود ترحمی نمایند مثالی است معروف سیم سفید برای روز سیاه است آیا روز سیاهی بالا تر از این تصور توان کرد؟ که شرف و استقلال در شرف اضمحلال باشد و ملت و دولت در پریشانی و ذلت

اندوخته که امروز بخرج نیاید خاک به از او ست و کسی که در بند عزت و سعادت قوم نباشد خاک بر سر او چه اگر قوم را شرف و استقلال بهم زوال باشد او را بطریق اولی حاصل است چرا که بزرگی نتوان کرد مگر در سایه قوم و عزت جانخواهر مانند مگر در استقلال ملت (من آنچه شرط ابلاغت باتو میگویم)

(تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال)

میرزا حسن نامی

(مکتوب)

مقام وطن خواهی بعضی از آقایان و گلایه محترم دارالشوری ملی بر برادران عزیز نامعلومست و نمی دانند در ایام استبداد در راه خدمت بوطن عزیز چه فدا کاریها کرده اند و دوچار چه مشکلات شده اند و جز خدمت وطن نیت و مقصودی نداشته و بواسطه شرافت و نجسایت ذاتی در مجلس خود نمائی ندارند و از برای اطلاع خاطر برادران عزیز خود شمه از خدمات و زحمات آنها که بهترین دلیل وطن پرستی آنهاست ذکر میکنم از انجمله یکی جناب شرف الدوله و کیل آذربایجانست که در ایام استبداد با کمال جرئت و رشادت در این راه مقدس قدم میزد و ارائه طریق نجات می نمود و از بذل جان و مال مضایقه نداشت و در فداکاری خود داری نمیگردد و مقدر مقدور آنچه در راه وطن خدمت کرده و زحمت کشیده بترتیب برای آگاهی وطن پرستان ذکر میکنم تا دیگران در ایام مشروطه تاسی و پیروی نمایند

اولا در تبریز یکدستگاه کارخانه قالی بافی نبود این شخص مبالغی خرج کرد کارخانه قالی بافی در خانه خود راه انداخت تا دیگران تاسی نموده قالی بافی زارواج دادند و در ولایت معمول کردند بطوریکه الان قریب بیست هزار نفر از این ممر گذران مینمایند و عمده مال التجاره ان ولایت شده است

ثانیاً در پیشکاری مرحوم امیر نظام که تمام بنائی دیوانی با ایشان بوده خیلی بر آبادی مملکت افزودند و بناهای خوب و مرغوب بنا کردند

ثالثاً او فاتیسه آذربایجان مبتلا بقحط و غلا شد حضرت والا عین الدوله که از کاردانی این شخص با خبر بود عمل خباز خانه و سایر اصناف را با ایشان واگذار نمودند و در این بین شاه شهید مرحوم شد این شخص چه زحمت ها کشید تا نکدشت در آذربایجان نشسته و آشوب شود تا اینکه مرحوم مظفر الدین شاه بطهران حرکت کرد در تبریز پیشکاری نبود رشته تمام امورات را بدست ایشان سپرد و در کمال نظم و ترتیب امور انجا را اداره کردند

رابعا در پیشکاری جناب نظام السلطنه ریاست تجارت آذربایجان باین شخص واگذار شد مبلغ ها خرج کرد و مجلس ها ترتیب داد تا تجار محترم بنای اتحاد گذاشته بجهت رواج امته و صنایع ایرانی شرکت کردند و کمیائی تشکیل دادند مرحوم امین التجار و با اکثریت آراء رئیس شرکت گردند تا اینکه دیوانیان از وخامت و مضرت این اتفاق احتیاط نمودند این شخص را از تبریز تبعید و یکسال در خراسان حبسی نظر شد ورشته این اتفاق کست

خامسا در پیشکاری همین امیر نظام حالیه کوچه محله ششکلان مسیل بوده و در یخ بندان چفسدر نفوس و اموال تلف میشد مدتها در چاره اینکار متحیر بودند تا این شخص کف کوچه را بطول یک هزار و پانصد ذرع داد بر داشتند با سنگ و آهک در کمال استحکام باه خارج مختصری با ارتفاع دوزرع چارک تنل کشیده زیر کوچه مسیل و رویش ممبر عام شد حالا بهترین جاهای تبریز این نقطه شده است هم چنین راه شوسه و تسطیح طرق و معا بر در تبریز معمول نبود این شخص با مساعدت و همراهی جناب آقاموحمی مرتضوی شروع باینکار نمود تا دیگران تاسی کردند

سادسا در حکومت اردبیل وضع و روش ملت پرستی این شخص را از اهالی انجا رسیدگی نمایند مراتب وطن پرستی او بر همه معلوم خواهد شد غرض از این تصدیق شناختن مردمان با شرفی وطن خواه مشروطه طلب است که عموم ملت قدر بدانند معرووف است (سیاهی لشکر نیاید بکار یکی مرد جنگی به از صد هزار)

امضاء محمد صادق ایروانی

(خلاصه رابورت انزلی)

وکلای نجمن بلدی انزلی که برشت خدمت امیر اعظم حکمران رفته بودند در انجا محترماً پذیرفته شده مذاکرات لازم را نموده بر روز محترماً وارد انزلی شده مراجعت کردند اهالیهم تا دهنه پیره بازار ایشانرا استقبال نمودند جماعتی که بر ضد وکلا اقداماتی داشتند هنوز مقضی الامرام نشدند جمعی از اهالی عزیز بیک لشکرانی را وکیل نمودند که حساب وکلا را بشکشد اما وکلا میگویند هر طوریکه نظامنامه حکم میکند ما اطاعت داریم حرفی خیلی است تا انشاء الله

(کم کم از پرده برون افتد راز)
اشخاصیکه بنام اشرار در تاراج بر لیج تجار نامزد و بشهر احضار شده بودند کویا بموجب اخبارات دیروزه هفت نفر از آنها را امیر اعظم حکم بحبس فرمودند تجار بهم که مالشان بفارت رفته بود انها نیز حسب الاحضار

برشت رفته اند تا بعد هر چه بشود با اداره اطلاع داده خواهد شد . . .

اداره فرانطینه از سر حد آمتا را ووفوی فقط الان واردین و مسافرین روسیه را در آنزلی سه روز فرانطینه توقیف و بعد مرخص میکنند چون منزلی از برای واردین نداشتند عجالتاً در عمارت دولتی منزل میدهند جهازات هم سه روز در وسط دهته آنزلی مقابل کمرکخانه باید بماند و بعد پهلوئی گهرک رفته بار خالی کند

(راپورت قزوین)

بنان فائر و بیان قاصر است علت عمده درنهمتن و نکفتن جز این نیست که مدت مدیدی است جراید و یازبان های ملت را در تظلم از تعدیات اقبال السلطنه ماکو و قوام شیراز و جهانشاه خان خمسه وارفع لدوله اسلامیول و سالار بجنورد و اسیر فروش ها کویا دیده و با هزار چشم امیدوا رانه نکران مجازات آنها بوده

بر عکس مامول و مراد هر یک از آنها را در کنار خود مستقل تر می بینند باینجهت است که یقین می کنم خیانت بملت باعث ارتفاع درجه و علو رتبت است بهمین طور که بنده هیچ ندان این نکته را دریافت یقین است غیاث نظام هزار درجه بهتر و نیکوتر وائف میشود که با اینکه تلگرافی مجلس مقدس صریح اشعار دارد بانجمن ولایتی که غیاث نظام ماموریت ندارد بعمار لو ممدقا اردو بر میخارد و عازم عمارنو میشود که اگر زد و خوردی مابین ساعدالسلطان و دوتفر شریر واقع شده یک مخال رازیر و زبر نماید بجزم اینکه چرا باید عمار لوئی متفوه باین کلام شود بحکم وزیر داخله مالیات را اصلا وفرعا بایک رشت میدهم و چون صیت ووفوی تیول ایرانرا پر کرده است زنجیر رقت تیول را از گردن ما بیچارگان هم بر دارد بهر صورت از طلب خارج شدیم موضوع این بود که چون مجازات مستبدین نمره اول را ندیدم حکایات قزوین را هم اطلاع دادن بیفایده دیدم جز اینکه افای غیاث نظام را مشهور نموده در حرکات خود جری تر شود و خدماتش مقبول تر گردد و قصه ظلم و بیداد های غیاث نظام مهیود مبروف و غیاث نظام های نوعی دیگر پیدا شود

(ایضا)

وزیر اکرم حاکم کیلان هم که تازه از حکومت انجا مزول و قریب ششترده هفده روز است وارد قزوین شده اند کالتی عارضشان شده بود اینروزها قدری بهتر شده اند ولی از قرار یکه مشهور است

شنیده ام بواسطه اینکه هم پارسال و هم امسال بدون جهة و علت از کیلان مزول شده اند از نوگری و شئون استمفاد داده اند و خیال رفتن بطهران را ندارند این شخص چهار سال در قزوین حکومت داشتند همان وقتها بخیر خواهی عامه و بی طمی مبروف بودند و کارها را بصواب دید مجلس که تشکیل داده بودند صورت میدادند خیلی اسباب نو میدی و یاس شده که همچو اشخاص وطن دوست دولتخواه از دولت مایوس و از نوگری استمفاد داده گوشه قزوین را اختیار کنند

(اعلان از طرف وزارت علوم و معارف)

(تصدیق تحصیلات عالییه زبان فرانسه)

امتحان سال اول — خدمت محصلین زبان فرانسه که داو طلب حصول دیپلم سال اول تحصیلات عالییه زبان فرانسه هستند عرض و اظهار میشود که محض رعایت خاطر آنها شنبه ۳۰ نوامبر مطابق ۲۳ شوال المکرم دو ساعت بعد از ظهر مجدداً مجلس امتحانی در مدرسه دارالفنون منعقد خواهد شد از محصلین زبان فرانسه متعنی است که هرگاه مایل بدادن این امتحان میباشند قبل از وقت در مدرسه دارالفنون آمده خود را معرفی بنمایند تا اسم آنها ثبت شود

امتحان سال دوم — محصلینیکه در ربیع الثانی گذشته تصدیق سال اول را دریافت نموده اند و آنها نیکه در مجلس ثانی این تصدیق را حاصل خواهند نمود می توانند در اواخر بهار آتیه خود را بجهت اخذ تصدیق سال دوم حاضر نمایند

روز های سه شنبه و پنجشنبه در مدرسه مبارکه دارالفنون کلاس عالی زبان و ادبیات فرانسه منعقد میگردد در این کلاس محصلینیکه تصدیق سال اول را در دست دارند بجهت حصول تصدیق سال دوم حاضر خواهند شد (سکوت بفرسراگرتز مفتش کل ادبیات فرانسه)

اعلان

در مدرسه اقبال هر روزه غیر از جمعه از دو ساعت بفرود مانده تا یک ساعت از شب گذشته برای همه کس زبانهای فارسی و ترکی و روسی و فرانسه تدریس میکنند و برای تدریس زبانها معلم های مخصوص هستند محل مدرسه خیابان چراغکار کوچه ناظم الاطباء خانه بیکر بیکی

اعلان

یکدست حیات مشتمل بر بیرونی و اندرونی و طویله و درشکه خانه آب جاری نجف آباد و شاهبمساحت هزار ذرع که از روی سلیقه ساخته شده و اقامه در بازارچه حاجی محمد حسن جنب میدان محمدیه بهر روش میرسد و از قیمت معمار ده دو تخفیف داده میشود هرکس طالب است با اداره حبل المتین رجوع کند

(حسن الحسینی الکا شانی)